

سخنان طلایی این روزگار

ساقی بیا که یار ز رخ پرده برگرفت  
 کار چراغ خلوتیان باز درگرفت  
 آن شمع سرگرفته دگر چهره برفروخت  
 وین پیر سالخورده جوانی ز سرگرفت  
 آن عشوه داد عشق که مفتی ز ره برفت  
 وان لطف کرد دوست که دشمن حذر گرفت  
 زنهار از آن عبارت شیرین دلفریب  
 گویی که پسته‌ی تو سخن در شکر گرفت  
 بار غمی که خاطر ما خسته کرده بود  
 عیسی دمی خدا بفرستاد و برگرفت  
 هر خوروش که بر مه و خور حُسن می‌فروخت  
 چون تو در آمدی پی کاری دگر گرفت  
 زین قصه هفت گنبد افلاک پرصداست  
 کوتاه نظر ببین که سخن مختصر گرفت  
 حافظ تو این سخن ز که آموختی که بخت  
 تعویذ کرد شعر تو را و به زر گرفت  
 ساقی بیا که یار ز رخ پرده برگرفت  
 کار چراغ خلوتیان باز درگرفت

---

ساقی بیا که یار ز رخ پرده برگرفت  
 کار چراغ خلوتیان باز درگرفت

در مسیر سلوک توحیدی برای سالکِ صبور بالاخره در اثر تجلیات جمالی، بسطی به ظهور می‌آید که در توصیف آن، جناب حافظ این‌طور از آن تجلی گزارش می‌دهد که ای ساقی که همواره از تجلیاتِ دم به دمات ما را بهره‌مند کرده‌ای، بیا و بنگر که چه غوغایی به پا شد و یار به‌کلی از رخ خود پرده برگرفته و ما را با تمام تجلیات اسمائی روبه‌رو کرده، تا در نسبت خود با جمالِ محبوب هیچ کم و کاستی نداشته باشیم و در إزای آن تجلی جامع کار چراغ اهل خلوت که چندان روشن نمی‌نمود، باز روشن شد و معنای مقاومت در جبهه‌ی توحید به عالی‌ترین شکل به ظهور آمد. مثل به ظهور آمدن حاج قاسم سلیمانی در بستر سلوک انقلاب اسلامی برای مردم.

=====

آن شمع سرگرفته دگر چهره برفروخت  
 وین پیر سالخورده جوانی ز سرگرفت

شمعی که سرش کوتاه شده بود و در آن راستا تجلیات انوار الهی چندان منور نبود و بعضی را گمان این بود که ما در بستر حرکت توحیدی خود گرفتار فرسایش شده ایم، دگر باره چهره

برافروخت و نشان داد راهی که حضرت روح الله «رضوان الله تعالی علیه» شروع کرده، اگر چند صباحی در حجاب غربزده‌ها و متحجرین کم‌سو شود، باز سر بر می‌آورد و امید به جامعه برمی‌گردد، در آن حدّ که حتی پیران سالخورده با همان روحیه انقلابی که جریان تجدیدزده آن را به بهانه‌ی آن‌که دوره‌ی انقلابی‌گری تمام شده، خارج از صحنه می‌دانست، جوانی از سر می‌گیرند و به عنوان شهدایی زنده با روحیه‌ی حماسی خود جوان می‌شوند، زیرا انقلاب و انقلابیون هرگز پیر نمی‌شوند، چرا که همواره در معرض تجلیات انوار توحیدی تاریخ خود هستند، و کهنگی و پیری سرنوشت آن‌هایی است که انقلاب اسلامی را شرایطی تصور کرده‌اند برای پرکردن جیب خود و خالی‌کردن جیب مردم و خراب‌کردن آلونک خانم آسیه پناهی.

=====

### **آن عشوه داد عشق که مفتی ز ره برفت وان لطف کرد دوست که دشمن حذر گرفت**

آن تجلی‌ای که در خلال عشق به معشوق روی داد، مفتی ظاهرپرست را کنار زد و او را برکنار کرد. حضرت محبوب لطفی کرد که دشمن پا به فرار گذاشت. و این قصّه‌ی همیشه‌ی راه توحید است که مقدسان نادان<sup>1</sup> را که فتوای رانت‌خواری رانت‌خواران را می‌دهند، از مسیر حرکت توحیدی کنار می‌زند و ما را به آینده‌ای امیدوار می‌کند که دشمنان توحید این زمانه طاقت ادامه‌ی کار را از دست می‌دهند.

=====

### **زنهار از آن عبارت شیرین دلفریب گویی که پسته‌ی تو سخن در شکر گرفت**

چه اندازه شیرین و دلفریب است آنچه حضرت محبوب همواره به ظهور می‌آورد، در آن حدّ که گویا لب پسته‌ای تو، ای تجلی تامّ و تمام، سخن را شکرآمیز کرده، و ما با نوعی از تجلی و گشودگی روبه‌رو شده‌ایم که سخن‌گفتن از آن زیباترین و شیرین‌ترین نوع سخن‌گفتن است، زیرا زبان انسان در این موارد زبان هستی است و ظهور نور حضرت متکلم.

=====

### **بار غمی که خاطر ما خسته کرده بود عیسی دمی خدا بفرستاد و برگرفت**

بار غم سیطره‌ی اهل دنیا بر مناسبات مردم با آن تجلی تامّ که در ذات هر حرکت توحیدی نهفته است و از راه رسید، همه

---

<sup>1</sup> حضرت روح الله «رضوان الله تعالی علیه» فرمود: ما از شرّ این مقدس‌آبان به خدا پناه می‌بریم.

کنار می‌رود و خداوند عیسی دمی را فرستاد و نگرانی‌ها را برطرف کرد. راستی را چقدر حساب شده فرمود: با ولایت فقیه از همه‌ی بحران‌ها می‌توان عبور کرد و پشتیبان ولایت فقیه باشید تا مملکت آسیب نبیند. جبهه‌ی غربزده چه آرزوها داشتند در استحال‌ه‌ی انقلاب اسلامی و امیدواری به مددهای غرب سکولار. حساب همه‌چیز را کرده بودند جز حساب عیسی دمی که خدا می‌فرستد و آن‌ها را ناکام و مأیوس می‌کند.

=====

### **هر خُروش که بر مه و خُور حُسن می‌فروخت چون تو درآمدی پی کاری دگر گرفت**

این تجلی خاصی که در این شرایط به ظهور آمد، چنان کارساز و روح‌افزا است که در برابر حُسن آن، همه‌ی خُروش‌ها و زیبارویان، راه دیگری پیشه کردند و پا به فرار گذاشتند. می‌خواستند با راه‌های غربی مسائل ما را حل کنند و چهل سال در بسیاری موارد کار را عقب انداختند تا آن‌که بحمدالله مردم در حال خودآگاهی نسبت به آن راه‌ها و برگشت به راه‌های اصیل دینی و قرآنی شده‌اند. در آن حد که غیر مؤمنین نیز پذیرفته‌اند برای دنیای آن‌ها هم راه‌های اصیل دینی بیشتر جواب می‌دهد تا راه‌هایی که در دل مدیریت آن‌ها، کسانی به صحنه آمدند با احتکار 100 کیلو طلا و 550 خودرو.

=====

### **زین قصه هفت گنبد افلاک پرصداست کوتاه نظر بین که سخن مختصر گرفت**

این قصه که حرکت توحیدی این انقلاب چه اندازه نقش‌آفرین است؛ عالم را پر کرده و همه‌ی عالم از آن سخن می‌گویند و عجب است با این‌همه، باز کوتاه‌نظران را بنگر که این را نمی‌بینند و سعی می‌کنند از آن سخن نگویند. این است معنی فلک‌زدگی در هر لباسی که باشد.

=====

### **حافظ تو این سخن ز که آموختی که بخت تعویذ کرد شعر تو را و به زر گرفت**

وقتی سخن، انعکاس حقیقتی باشد که عالم را فرا گرفته، آنچنان آن سخن ارزشمند می‌شود که «بخت» برای آن‌که بلایی بر سرش نیاید و نادیده‌اش بگیرند، آن سخن را وسیله‌ی حفظ خود می‌گیرد تا از چشم زخم‌چشم ناپاکان در امان باشد و سخن حافظ از این جنس است. سخنی است از جلوه‌ی نور حضرت متکلم تا روزگار، خود را به کمک آن سخن بدرخشاند و آن را طلا بگیرد

تا محفوظ بماند و امروز تنها کسانی سخن برای گفتن دارند که  
مظهر تجلیات انوار ساقی‌ای باشند که ندای بی‌صدای خود را در  
کلماتشان به ظهور می‌آورد. سخن طلایی این روزگار، این نوع سخن  
است.

والسلام